

۴۸ ساعت از ورود دشمن به شهر جلوگیری کردند. از این‌رو ارتش عراق ناچار می‌شود ابتدا بلندی‌های گیسکه را تصرف و با تسلط بر آن شهر را محاصره و مقاومت جمعیت حاضر در آن را بشکند. با وجود این عراق وارد شهر می‌شود که تقریباً ویران شده و دیوار فروریخته‌ای در آن وجود نداشت. قصر شیرین اما برعکس نفت شهر، شهر ۷۲ ملت بود با حدود ۲۵ هزار نفر جمعیت که از تمام فرقه‌های مذهبی در آن زندگی می‌کردند.

با وجود این زمانی که جنگ شروع شد این شهر مقاومت جانانه‌ای از خود نشان داد و تا پنجم مهر مقاومت کرد. لشکر عراق هرچه هجوم می‌آورد نمی‌توانست آن را بگیرد تا آنکه آن را محاصره و از این طریق به زانو درآورد. البته نقش بچه‌های سپاه همدان که در آن زمان در شهر حضور داشتند در این مقاومت مؤثر بود. ابراهیم مالکیان و علی اشرف منصوری، از جمله نیروهایی بودند که در دفاع از قصر شیرین حماسه‌ها آفریدند. وی با ۱۰ گلوله آرپی‌چی ۹تاک عراقی را منهدم می‌کند. مقاومت‌های مردمی ادامه داشت تا پنجم مهر که دیگر قصر شیرین دست عراق می‌افتد و در دست عراق می‌ماند تا بعد از عملیات فتح خرمشهر که خود عراق از شهر عقب نشینی می‌کند. در سرپل ذهاب هم همین اتفاق افتاد و عراقی‌ها نتوانستند وارد سرپل ذهاب شوند و با نیروهای سپاه که بیشتر بچه‌های سپاه همدان بودند در بیرون شهر درگیر شدند. مردم هم در صف مدافعان شهر حضور پررنگی داشتند. برائش مقاومت حماسی نیروهای مردمی و رزمندگان، عراقی‌ها مجبور به فرار می‌شوند و در تسخیر شهر ناکام می‌شوند. در بین مدافعان شهر نیروهایی از ارتش بودند که به‌صورت غیر سازمانی و برای دفاع از مردم در مقابل تجاوز بعثیان به سرپل ذهاب آمده بودند و به نحو چشمگیری می‌جنگیدند.

یکی دیگر از اهداف عراق گرفتن گیلانغرب بود. زمانی که عراق تلاش می‌کند تا بخشی از نیروهایش را از دره بازی دراز به گیلانغرب برساند، مردم مقاومت می‌کنند و زمانی که

جمعیت عشایری وساکنان آن مهاجرت کرده بودند، برای همین وقتی حمله سراسری شروع شد به‌دلیل خالی بودن منطقه از وجود عشایر، شهرمهران سقوط کرد و مقاومتی در برابر دشمن در این شهر شکل نگرفت. زمانی که عراق در سومین روز جنگ مهران را اشغال کرد، ۵۰ یا ۶۰ نفر از مردم عادی بیشتر در شهر نبودند. با وجود این یکی از افراد محلی به‌نام روح‌الله شنبه‌ای، با مقاومتی عاشورایی حماسه جاویدی از خود به یادگار گذاشت که درس آموز بوده و می‌تواند الگوی غیرت ملی باشد. وی پاسدار بود و در دهه سوم شهریور قبل از آغاز تجاوز رسمی عراق در منطقه با نیروهای دشمن درگیر و به شهادت رسید. اوکنار نفرات تیپ خرم‌آباد ارتش در منطقه ماند و مقاومت زیادی از خود نشان داد.

تردیدی نیست که اینگونه مقاومت‌ها در تغییر استراتژی عراق از تهاجمی به تدافعی بسیار مؤثر بود. استراتژی عراق از حمله به کشورمان گرفتن خوزستان بود. اما عملیات رزمی خود را ابتدا از مناطق غربی کشور شروع کرد. البته در مناطق جنوبی هم درگیری مرزی داشتیم اما نسبت درگیری‌های جنوب با غرب و شمال غرب کشور کمتر بوده و اصلاً قابل قیاس نیست. در مناطق غرب هدف عراق مسلط شدن بر خطوط ارتباطی بود و با این استراتژی سعی داشت تا احتمال ضربه زدن به بغداد را از ایران بگیرد، همچنین ارتباط شمال و جنوب ایران را قطع کند. اینکه بگوییم در منطقه غرب مقاومت زیادی نشده درست نیست. اتفاقاً در غرب، هم نیروهای ارتش و هم بچه‌های سپاه مقاومت خوبی داشتند، اما توان آنها بیش از این نبود. وقتی پاسگاه اسلحه وامکانات نداشته باشد چه طور می‌توانستیم مقاومت کنیم. زمانی که جنگ شروع شد، بخش عمده‌ای از نیروها برای دفاع به خوزستان آمدند و آنجا مشغول جنگیدن شدند چون خوزستان اولویت داشت. در زمان حمله به مهران بچه‌های آبادان آنجا حضور داشتند و زمانی که اعلام می‌شود در آبادان وضعیت خطرناک است این نیروها به شهرشان برمی‌گردند. در واقع نیروی



پاشه‌خبر رنگار آن جوان

صحنه‌هایی از ویرانی‌های نفت شهر

روایت راویان از حماسه مقاومت مردم نفت شهر، قصر شیرین، گیلانغرب و سرپل ذهاب

مقاومت مردمی دست متجاوز را کوتاه کرد

خالی شده بودند. با وجود این ارتش عراق قبل از حمله به این شهرها ساعات متمادی اقدام به بمباران و گلوله باران این دو شهر کرد و با توجه به اینکه قبل از آغاز حمله سراسری با اشغال منطقه گیسکه بخشی از راه‌های ارتباطی نیروهای خودی در کم‌رسانی به شهرهای نفت شهر و سومار را در اختیار گرفته بود، توانست نفت شهر را پس از ۴۸ ساعت و سومار را بدون مقاومت تسخیر کند. لکن به‌دلیل عدم توان پیشروی و همین‌دو شهر نیز با استخراج و به تثبیت موقعیت خود پرداخت.

▪ ششانه‌های جنگ طلبی صدام از روزهای

انقلاب

امیرحسین کیهان پناه، دیگر راوی حوادث روزهای اول جنگ در این منطقه در ارتباط با مقاومت‌های مردمی مؤثر در این ایام یادآور می‌شود که هدف نهایی دشمن در این محور رسیدن به گردنه باتاک و سد کردن تاراک نیرو و تجهیز آنان از طریق کرمانشاه بود. ولی با وجود تلاش بسیار ناکام‌مانده موفق نشد. کیهان پناه در بسط این موضوع ابتدا به کلیاتی در ارتباط با منطقه پرداخته و می‌گوید: «مرز مشترک ما با کشور عراق حدود ۱۶۰۰ کیلومتر است که از دالان پرتاق شروع و تا دهانه فاو امتداد می‌یابد. بحث‌هایی که تاکنون درباره جنگ انجام شده است اغلب بر جبهه‌های جنوبی همانند سلجمه، فاو و منطقه هورالعظیم و... متمرکز بوده و کمتر در مورد سایر مناطق بویژه غرب و شمال غرب توضیحانی داده شده است. در صورتی که اگر تاریخ رسمی حمله عراق به ایران را ۳۱ شهریور بدانیم در

منطقه غرب کشور قبل از این تاریخ مردم و نیروهای نظامی با عراق درگیر بودند. بلکه از زمان شروع نهضت، یعنی در بجزیره انقلاب در سال ۵۷، عراق به شناسایی مناطق مرزی اقدام می‌کند. حتی در مواردی حلی کوپت‌های شناسایی عراق وارد خاک ما می‌شوند و روز فراتندوم عمومی جمهوری اسلامی، عراق در منطقه بهرام آباد مهران خط مرزی را پشت سر گذاشته و نیروهایش وارد خاک ما می‌شوند. همچنین در همان ایام واحدهایی از ارتش عراق در نزدیکی خان لیلی و سومار مستقر می‌شوند. موضوع دیگری که نشان از جنگ‌طلبی صدام از آغاز انقلاب داشته است اینک؛ از آغاز درگیری‌های بعد از انقلاب که در مناطق کردنشین به‌وجود آمد، افراد ضد انقلاب و سلطنت‌طلبان وابسته به گروه‌سازار جاف که در رژیم گذشته نماینده مجلس بود نیز گروهی را تشکیل می‌دهند که مقر و مرکز آنها سرپل ذهاب و قصر شیرین بوده است. عراق از این نیروها پشتیبانی می‌کرد و شاپور بختیار و تیمسار ابویسی هم از آنها حمایت می‌کردند تا ضرباتی به جمهوری اسلامی وارد کرده و به اعمال تروریستی بپردازند.

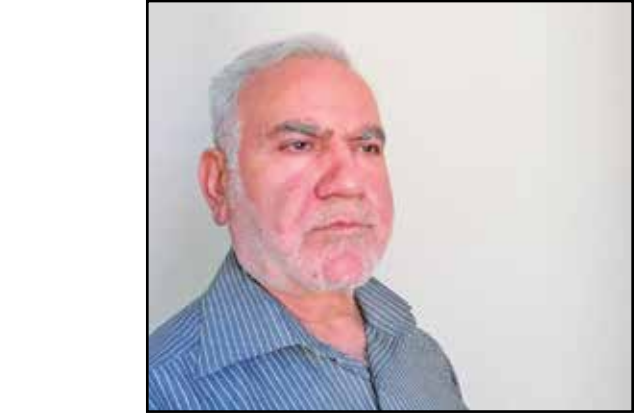
در تابستان سال ۵۹ که سال شروع جنگ است عراق ابتدا درگیری‌های نظامی را در این منطقه رو به‌رو می‌شود. اما به‌دلیل داشتن امکانات بیشتر از برتری آشکاری برخوردار بوده است. آن دوران ساختار دفاعی و رزمی منطقه غرب کشور مبتنی بر الگوی «یوم منطقه‌ای» بوده داشت که با شروع جنگ، سپاه استان‌های است. یعنی منطقه چون عشایر نشین بود،



امیر حسین کیهان پناه: در شهریور سال ۵۹ عراق قبل از آغاز جنگ مناطق خان لیلی و سومار و در ایلام هم منطقه میمک را اشغال کرد. این مناطق از اهمیت نظامی برخوردار بوده و هر طرف این نقاط را به‌دست می‌آورد و آنجا مستقر می‌شد، موقعیت برتر با او بود. میمک آنقدر برای صدام اهمیت داشت که نقشی از کوه‌های آن را روی مدال افتخار ارتش عراق حک کرده بود و به فرماندهانش اعطا می‌کرد

همدان و تهران نیز به کمک آنان رفتند. آیت‌الله حیدری، از روحانیان با نفوذ منطقه عشایر را هدایت و تشویق به دفاع می‌کرد و عشایر از ایشان حرف شوی و تبعیت داشتند. با وجود ۱۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق تمرکز بیشتر روی منطقه جنوب بود و به‌بقیه هر طرف این نقاط را به‌دست می‌آورد و آنجا مستقر می‌شد، موقعیت برتر با او بود. میمک آنقدر برای صدام اهمیت داشت که نقشی از کوه‌های آن را روی مدال افتخار ارتش عراق حک کرده بود و به فرماندهانش اعطا می‌کرد. عراق ۲۵ تا ۲۶ شهریور این منطقه را اشغال کرد که با مقاومت نیروهای ایرانی روبه‌رو شد، تعدادی هم شهید آنجا دادیم، اما کاری از پیش نرفت.» وی با اشاره به نقش عشایر در انقلاب و سلطنت‌طلبان وابسته به گروه‌سازار جاف که در رژیم گذشته نماینده مجلس بود نیز گروهی را تشکیل می‌دهند که مقر و مرکز آنها سرپل ذهاب و قصر شیرین بوده است. عراق از این نیروها پشتیبانی می‌کرد و شاپور بختیار و تیمسار ابویسی هم از آنها حمایت می‌کردند تا ضرباتی به جمهوری اسلامی وارد کرده و به اعمال تروریستی بپردازند.

مهمی داشتند، در غرب کشور هم این عشایر خرمشهر و سایر مناطق خوزستان نقش بودند که نقش اصلی را بر عهده داشتند. عشایر از تابستان سال ۵۹ در مناطق مرزی سنگر ایجاد کرده و آماده دفاع از مرزهای کشور بودند. این آمادگی تا آغاز جنگ ادامه داشت. البته آن زمان تیپ ۸۱ زرهی ارتش در منطقه مستقر بود، سپاه هم در منطقه نیرو منطقه از قبل درگیری و آتشباری وجود داشت،



اسدالله احمدی: عراق برای حمله به قصر شیرین از محور خانیقین از مدت‌ها پیش یک لشکر رزهی و دو لشکر پیاده مستقر کرده بود. در روز پایانی شهریور ارتش عراق ابتدا با توپخانه دوربرد اقدام به گلوله باران پی‌درپی شهر نمود آنگاه با تمامی استعداد نظامی خود در منطقه به‌سمت قصر شیرین هجوم آورد اما نتوانست وارد شهر شود و در مقابل مدافعان اندک قصر شیرین زمینگیر شد.

عراقی‌ها به گیلانغرب می‌رسند خود مردم با هرچه در دسترس داشتند به مقابله با ارتش عراق می‌روند و با آنان درگیر می‌شوند. خلبانان هواپنیروز ارتش نیز به کمک مردم می‌آیند و درگیری شدیدی اتفاق می‌افتد که منجر به فرار عراقی‌ها می‌شود. روز بعد دوباره عراقی‌ها باز می‌گردند تا گیلانغرب را بگیرند اما بار دیگر با مقاومت مردم روبه‌رو می‌شوند و عقب نشینی می‌کنند. در منطقه گورسفید خط‌پدافند تشکیل می‌دهند و تا پایان جنگ در آنجا مستقر می‌شوند. البته در عملیات‌های بعدی مقداری عقب نشینی می‌کنند اما منطقه عملاً تا پایان جنگ دست عراق باقی می‌ماند. در مقاومت گیلانغرب چندین شهید داشتیم که از نیروهای مردمی بودند. از معروفترین آنها می‌توان به شهید فادروش حسین‌پور و اسماعیل چهارزبر شاهی اشاره کرد. اینها بودند که گیلانغرب را نجات دادند. درست است که شهید شیرویدی با تیم همراه شان محور هوایی را بسته بودند اما مردم گیلانغرب هم از روی زمین مقاومت کردند تا این منطقه به اشغال دشمن در نیاید. مقاومت همین‌ها بود که جلوی دشمن را گرفت. جنگ از گیلانغرب شروع شد و آنجا هم به پایان رسید چرا که ما آخرین عملیاتی که داشتیم عملیات مرصاد بود. در این مقطع خانمی از اهالی روستای گورسفید گیلانغرب به‌نام فرنگیس حیدریو، مقاومت بی‌نظیری از خود نشان می‌دهد. و زمانی که عراقی‌ها وارد می‌شوند تا روستا را بگیرند، ایشان به تنهایی با تبر یک عراقی را از پای درآورده و یک عراقی دیگر را اسیر می‌کند.»

کافی برای دفاع در مناطق غربی وجود نداشت اما آنهایی هم که حضور داشتند با جان و دل جنگیدند و کسی نمی‌تواند بگوید آنها دفاع نکردند! شهید شیرویدی و هواپنیروز کرمانشاه خیلی خوب ظاهر شدند. شهید کشوری، شهید سهیلیان، شهید یحیی شمشادیان و بسیاری دیگر از خلبانان شجاع هواپنیروز ارتش بسیار خوش درخشیدند. و با ظرفیتی فوق‌توان معمول یک انسان از کشور دفاع کردند. کسی نمی‌تواند این واقعیت‌ها را انکار کند. اینها در شرایطی بود که نیرو و امکانات به حد کافی در اختیار نبود با وجود این بهترین دفاع در غرب صورت گرفت. برای درک این واقعیت باید ببینیم هدف عراق در حمله به غرب چه بود و در نهایت چه به‌دست آورد؟ هدف عراق این بود که به گردنه باتاک برسد آیا توانست به هدفش برسد؟ هدفش این بود که گیلانغرب را بگیرد، اما نتوانست آن را بگیرد؟ در جنوب هم قصد داشت اهواز را بگیرد اما موفق نشد.»

کیهان پناه در خصوص مقاومت انجام پذیرفته در مقابل تجاوز عراقی‌ها در نفت شهر و قصر شیرین می‌گوید: «در خصوص مقاومت نفت شهر باید بگوییم با آنکه این شهر برپایه چاه‌های نفت شکل گرفته و شهری مدرن و جمعیت آن جمعی نخعیه و تکونکرات محسوب می‌شدند که از نقاط مختلف کشور با دین‌ها و فرهنگ‌های متنوع دور هم جمع شده بودند و در قضاوت اولیه گفته می‌شد ایشان اهل مقاومت نیستند اما با شروع بمباران‌ها تعداد قابل توجهی از مهندسان و کارگران این شهر نفتی مقاومت کرده و در حمله رسمی به شهر

▪ ارتش عراق در برابر مقاومت مردم خم کرد

اسدالله احمدی، از راویان مقاومت مردم مرزنشین استان کرمانشاه در این باره می‌گوید: «عراق برای حمله به قصر شیرین از محور خانیقین از مدت‌ها پیش یک لشکر رزهی و دو لشکر پیاده مستقر کرده بود. در روز پایانی شهریور ارتش عراق ابتدا با توپخانه دوربرد اقدام به گلوله باران پی‌درپی شهر نمود آنگاه با تمامی استعداد نظامی خود در منطقه به‌سمت قصر شیرین هجوم آورد اما نتوانست وارد شهر شود و در مقابل مدافعان اندک قصر شیرین زمینگیر شد. ناچار با تعویض ستاوری عملیات در صحنه، لشکر ۹ پیاده خود را به‌سمت پاسگاه بابا‌هادی و دشت ذهاب و لشکر ۴ پیاده‌اش را به سوی چم‌امام حسن - جاده گیلانغرب گسیل داشت و با گرفتن جاده، قصر شیرین را به محاصره درآورد. سرانجام لشکر زرهی ارتش عراق پس از ۵ روز زمینگیری، مقاومت نیروهای اندک شهر با سلاح‌های سبک را شکسته و وارد شهر شد. پس